



بررسی نقش الهیات در بیانیه گام دوم انقلاب

داود گوهری^۱

چکیده:

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران، به مثابه نقشه راه جمهوری اسلامی ایران برای دهه‌های آتی، ریشه در تفکر الهیاتی و ایمان‌محور دارد. این پژوهش با هدف واکاوی دقیق نقش الهیات در ساختار مفهومی و گفتمان این بیانیه با روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی صورت پذیرفته است. یافته‌های اصلی نشان می‌دهند که مفاهیمی چون ایمان، توکل، امید، عدالت، معنویت و انتظار، چارچوب الهیاتی بیانیه را شکل داده و محور حرکت تمدنی انقلاب را تبیین می‌کنند. الهیات در این متن صرفاً یک ابزار اخلاقی نیست، بلکه به‌عنوان بنیان نظری هویت انقلابی و موتور محرک تحول اجتماعی عمل می‌نماید. یافته‌ها تأکید دارند که الهیات توحیدی، بستر لازم برای ایجاد پیوند میان نسل جوان و آرمان تمدن نوین اسلامی را فراهم آورده و نقشی کلیدی در معنابخشی گفتمان انقلاب ایفا می‌کند. در نتیجه الهیات در این بیانیه نه یک عنصر حاشیه‌ای، بلکه محور اصلی و هویت‌ساز در گفتمان انقلاب اسلامی تلقی می‌شود.

واژگان اصلی: الهیات اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب، تمدن نوین اسلامی، توحید، عدالت، امید.

^۱. استادیار گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، همواره تلاشی برای پیوند دادن آرمان‌های متعالی ایمانی با واقعیت‌های عینی ساختار قدرت و حرکت اجتماعی بوده است. در آستانه ورود به دهه‌های آتی، رهبر معظم انقلاب با صدور بیانیه گام دوم انقلاب، نقشه‌ای راهبردی ترسیم کردند که صرفاً یک سند سیاسی- اجتماعی نیست؛ بلکه بیانیه‌ای عمیقاً هویتی و تمدنی است. اما پرسش محوری که باید در کانون توجه پژوهش قرار گیرد این است که زیربنای فکری و نیروی محرکه اصلی این نقشه راه چیست؟ پاسخ این پرسش در بطن «الهیات» نهفته است. در این چارچوب، الهیات اسلامی، به‌ویژه الهیات فعال و اجتماعی، نه به عنوان حوزه‌ای نظری و انتزاعی، بلکه به مثابه شالوده مفهومی و موتور محرک عمل می‌کند که به اهداف بزرگ کشور معنا و جهت می‌بخشد. مفاهیمی چون عدالت موعود، امید به آینده، نفی سلطه، و مسئولیت‌پذیری فردی و جمعی، همگی ریشه در آموزه‌های عمیق توحیدی دارند و زمینه‌ساز پیوند میان نسل جوان و آرمان تمدن نوین اسلامی می‌گردند. این پژوهش بر این فرض استوار است که بدون فهم دقیق نقش این بنیان‌های الهیاتی، نمی‌توان به درستی گفتمان جاری و مسیر تمدنی مورد نظر در بیانیه گام دوم را تبیین و عملیاتی ساخت.

از این رو، این تحقیق با هدف «واکاوی دقیق نقش الهیات در ساختار گفتمانی و تبیین مسیر تمدنی بیانیه گام دوم انقلاب» تدوین شده است. این بررسی، ما را به سمت پاسخگویی به سؤالات اساسی زیر سوق می‌دهد:

۱. مؤلفه‌های کلیدی الهیات توحیدی (مانند ایمان، توکل، امید و انتظار) چگونه در ساختار مفهومی بیانیه گام دوم، نقش چارچوب‌ساز را ایفا می‌کنند؟
۲. آیا الهیات در این بیانیه صرفاً به عنوان یک ابزار اخلاقی عمل می‌کند، یا به عنوان بنیان نظری هویت انقلابی و موتور محرک تحول اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است؟
۳. نقش الهیات در معنابخشی به آرمان «تمدن نوین اسلامی» و پیوند دادن آن با نسل جوان، در گفتمان بیانیه گام دوم چیست؟

پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات موجود پیرامون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و ریشه‌های فکری آن نشان می‌دهد که پژوهش‌ها عموماً در دو حوزه اصلی متمرکز شده‌اند: تحلیل ساختاری بیانیه و بررسی

مؤلفه‌های اخلاقی و معنوی آن.

۱. پژوهش‌های ناظر بر تحلیل محتوایی و راهبردی بیانیه گام دوم

بخش قابل توجهی از تحقیقات بر نقش بیانیه به عنوان نقشه راه تمرکز داشته‌اند. به عنوان مثال، پژوهش آقای بهروز صالحی در مقاله «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در تبیین سبک زندگی قرآنی» به‌طور مشخص نشان می‌دهد که اصول هفت‌گانه بیانیه (علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی) ریشه در اهداف هدایت‌گرای قرآن کریم دارند. این دست از مطالعات، بر بُعد عملیاتی و مبانی قرآنی بیانیه تأکید کرده‌اند، اما معمولاً از عمق‌بخشی به مبانی کلامی-الهیاتی که این اصول را زمینه‌سازی کرده‌اند، فاصله گرفته‌اند. همچنین، مطالعات دیگری نظیر «تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب، با تأکید بر وظایف راهبرد عمل جوانان در گام دوم انقلاب» اثر محمد اسکندری نسب بر ابعاد اجرایی و نقش مخاطبان متمرکز می‌باشد.

۲. پژوهش‌های مرتبط با مؤلفه‌های اخلاقی و معنوی در گفتمان انقلاب

دسته دوم از مطالعات، به صورت عام‌تر به بررسی مؤلفه‌های اخلاقی و معنوی در گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. آقای عبدالحسین صفایی و همکاران در مقاله «کلان روندهای معنویت و اخلاق در گام دوم انقلاب اسلامی از منظر امام خامنه‌ای» بر این نکته تأکید دارند که پس از صدور بیانیه، شناسایی روندهای مهم در حوزه معنویت و اخلاق در افق گام دوم ضروری است. این مطالعات اثبات می‌کنند که معنویت و اخلاق از ارکان اصلی نظام فکری انقلاب هستند، که این خود تداعی‌گر اهمیت مفاهیم الهیاتی است. همچنین، نمونه‌هایی مانند مقاله «نقش اخلاق و معنویت در سبک زندگی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» از آقای محمدرضا جهان‌نژادی، قدرت‌نمایی بیانیه گام دوم در ترسیم نقش اصیل و استراتژیک اخلاق و معنویت به عنوان زیر ساخت سبک زندگی اسلامی با هدف عدالت اجتماعی را به رخ کشیده است.

و لیکن با وجود تمرکز بر دو حوزه فوق، یک شکاف تحلیلی مهم مشاهده می‌شود: ادبیات موجود یا به تحلیل مبانی قرآنی بیانیه اکتفا کرده یا به صورت کلی به اخلاق و معنویت پرداخته است. در حالی که نقش نظام‌مند و بنیادین مفاهیم کلامی و الهیاتی (مانند توحید، عدل و نقش بنیادین ایمان در تحقق آرمان‌های ذکر شده در بیانیه) به عنوان فیلتر و معنابخش به این راهبردها، کمتر مورد بررسی عمیق قرار گرفته است. این تحقیق بر آن است تا با رویکردی متمرکز، پیوند الهیات و گفتمان بیانیه

گام دوم را به عنوان شالوده فکری آن تبیین کند.

تعریف مفاهیم

۱. بیانیه گام دوم انقلاب

واژه‌ی «بیانیه» از ریشه‌ی «بیان» به معنای اظهار و روشن‌سازی است (دهخدا: ۱۳۸۵). از منظر محتوایی، بیانیه‌ی گام دوم انقلاب که در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ توسط رهبر انقلاب صادر شد، نقشه‌ی راه مرحله‌ی دوم انقلاب اسلامی است و بر سه محور «خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی» تأکید دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۵). از دید الهیاتی، این بیانیه تجلی اراده‌ی الهی در استمرار حرکت تاریخی انقلاب و تحقق وعده‌ی تمدن اسلامی است که حاوی آموزه‌هایی برگرفته از مبانی معرفتی اسلام ناب محمدی (ص) است (مطهری، ۱۳۳۸: ۴۵).

۲. الهیات انقلاب اسلامی

مفهوم «الهیات» در معنای عام به علم شناخت خدا و صفات او اشاره دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۲). اما «الهیات انقلاب اسلامی» به مثابه یک گفتمان نوظهور، بر تبیین مبانی اعتقادی و جهان‌بینی اسلامی نظام جمهوری اسلامی متمرکز است که چارچوب نظری حرکت اجتماعی و سیاسی آن را فراهم می‌آورد (امام خمینی، ۱۳۶۸/۱۳۸۰: ۳۰). این حوزه با پیوند دادن اصول اعتقادی (توحید و عدالت) به الزامات حکمرانی، تلاش می‌کند تا مشروعیت دینی ساختار سیاسی را در مسیر تحقق اهداف متعالی اسلامی تبیین نماید و پایه‌های معرفتی نظام را مستحکم سازد (علامه طباطبائی، ۱۳۶۲: ۱۱۰).

۳. توحید

«توحید» در لغت به معنای یگانه دانستن است (معین: ۱۳۹۲، ذیل واژه). در گفتمان الهیاتی انقلاب، توحید نه صرفاً یک اصل اعتقادی فردی، بلکه مبنای نظام‌ساز و جهان‌بین است که نفی هرگونه سلطه غیر الهی (شرک) را در سطح فردی، اجتماعی و بین‌المللی واجب می‌سازد (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۵۵). در چارچوب بیانیه گام دوم، تحقق این اصل در سطح جامعه‌سازی مستلزم کنار گذاشتن الگوهای مادی غرب و بنیان‌گذاری ساختار مدیریتی عادلانه بر اساس ولایت الهی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۰).

۴. عدالت

عدالت از منظر لغوی به معنای داد و انصاف و قرار دادن هر چیز در جای شایسته خود است (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲ق، ذیل ماده عدل). در چارچوب فقه سیاسی شیعه، عدالت به عنوان یکی از صفات محوری حکومت دینی، شرط تحقق نظام توحیدی در جامعه (عدالت اجتماعی) تلقی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۵۰). بیانیه گام دوم، تحقق عدالت را به عنوان یکی از اهداف اصلی گام دوم، نیازمند اصلاح ساختارهای مدیریتی (جلوگیری از فساد و رانت) و تضمین حقوق همه‌ی اقشار جامعه می‌داند که این امر مستقیماً از آموزه‌ی عدالت خواهی اسلامی نشأت می‌گیرد و رویکردی تمدن‌ساز در پیش رو دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۰).

۵. امید

«امید» به معنای انتظار وقوع یک امر مطلوب است، در مقابل یأس که ناامیدی از وقوع آن است (فرهنگ بزرگ فارسی، ذیل واژه). در گفتمان انقلاب اسلامی، امید به عنوان یک مؤلفه بنیادین روان‌شناختی و اجتماعی در برابر تهاجم فرهنگی غرب و القای سرخوردگی تعریف می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۷۰). از منظر الهیاتی، این امید ریشه در باور به وعده‌های الهی برای پیروزی نهایی حق بر باطل (عینیت‌یابی ظهور) دارد (علامه طباطبائی، ۱۳۶۲: ۲۰۰)، که در بیانیه به عنوان نیروی محرک جوانان برای جهاد تمدن‌سازی تعریف شده است و جنبه‌ای انگیزشی-اجتماعی به خود می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۸).

۶. جوانان

«جوان» به معنای تازه به سن بلوغ رسیده و نیروی پرانگیزه است (معین: ۱۳۹۲، ذیل واژه). در گفتمان انقلاب اسلامی، جوانان نیروی اصلی تحقق‌بخش آرمان‌های انقلاب و موتور محرکه «خودسازی و جامعه‌سازی» تعریف شده‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۴: ۱۲۰). در بیانیه گام دوم، جوانان به عنوان محور اصلی «مرحله دوم» انقلاب، مسئولیت اصلی تمدن‌سازی نوین اسلامی را بر عهده دارند و نیازمند ارتقای علمی، معرفی و مهارتی هستند تا بتوانند شکاف‌های مدیریتی گذشته را جبران کنند و نقش محوری در تحقق اهداف مرحله جدید ایفا نمایند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۵).

۷. تمدن نوین اسلامی

تمدن در فارسی به معنای شهرنشینی، اخلاق شهری پیدا کردن و انتقال از حالت خشونت، توحش و جهل به ظرافت، انس و معرفت تعریف شده است (گلستان قرآن هفته نامه)،

ج ۴: ۶۱۰۹، تهران، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی). اما در اصطلاح تمدن را نوعی خاص از پیشرفت مادی و معنوی می‌دانند که شامل مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی انتقال‌پذیر و دارای جهات مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی و مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است. (پژوهش‌های علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم، ج ۱: ۴۷).

«تمدن نوین اسلامی» به عنوان هدف غایی بیانیه، فراتر از تمدن مادی غرب (که بر پایه‌های سکولار بنا شده است)، تمدنی مبتنی بر احیاء معنویت، توحید و عدالت اسلامی را ترسیم می‌کند که هدف آن ارائه الگوی انسانی برای بشریت است (مطهری، ۱۳۷۸: ۵۰). از منظر الهیاتی، این تمدن تحقق کامل حکومت صالحان و اجرای منویات الهی در سطح جهانی است که با هدایت جوانان آغاز خواهد شد و هدف نهایی آن نیل به جامعه آرمانی مهدوی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۰).

نقش الهیات در بیانیه گام دوم انقلاب

الهیات انقلاب اسلامی؛ معماری معنایی بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم، فراتر از یک سند راهبردی، در واقع چکیده یک فلسفه زیستن است که ریشه در فهم عمیق ما از مبانی دین دارد؛ این همان الهیات انقلاب اسلامی است. برای آنکه مسیری که در این بیانیه ترسیم شده، مسیری پایدار و تمدن‌ساز باشد، باید ارتباط تنگاتنگی میان مفاهیم انتزاعی اعتقادی و راهبردهای عینی مدیریتی برقرار شود. این اتصال، در سه رکن اساسی توحید، عدالت و امید متجلی می‌یابد که هر یک نقشی متفاوت در شکل‌دهی به کالبد این تمدن ایفا می‌کنند.

۱. توحید؛ بنای سنگی استقلال فکری و حکومتی

اصل اساسی که تمام ساختار این بیانیه بر آن بنا شده، توحید است؛ اما نه فقط یک مفهوم نظری در باب یگانگی خداوند، بلکه تجلی آن در عرصه عمل سیاسی و فکری. این اصل، جوهر استقلال نظام اسلامی را تشکیل می‌دهد که لازمه حرکت به سمت یک تمدن مستقل است. لذا خداوند در قرآن کریم ایمان به خدا و کفر به طاغوت را مصداق تمسک به محکم‌ترین دستگیره می‌داند: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیان‌گری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی تردید به محکم‌ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است؛ و خدا شنوا و داناست. (بقره/ ۲۵۶).

۱- ۱. آزادی حقیقی در پرتو نفی هر حاکمیت جز خدا

تنها حاکم در عالم خداوند یکتاست و غیر از او از بین رفتنی هستند؛ پس سزاوار نیست بنده به غیر خدا پناه ببرد که در این صورت اسارت را به جان خریده است. خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». و با خدا معبودی دیگر مخوان، جز او معبودی نیست، هر چیزی مگر ذات او هلاک شدنی است، فرمانروایی [بر همه جهان هستی] ویژه اوست، و فقط به سوی او بازگردانده می‌شود. (قصص / ۸۸). وقتی بیانیه بر لزوم حفظ استقلال سیاسی و عدم وابستگی به قدرت‌های جهانی تأکید می‌کند، این یک فریضه ایمانی است. توحید در عمل، یعنی طرد هرگونه نظام فکری یا سیاسی که ادعای مطلق بودن داشته باشد؛ این همان مبارزه بنیادین با طاغوت است که ساختارهای استکباری غرب نمایندگان بارز آن در عصر ما محسوب می‌شوند. دفاع از مرزها و ظرفیت‌های داخلی، از منظر الهیاتی، یعنی صیانت از امانت الهی در برابر سیطره مادی‌گرایی. بنابراین، راهبردهایی مانند تقویت بنیه دفاعی، تلاشی برای حفظ آزادی اراده در چارچوب مشیت الهی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

۱- ۲. علم به مثابه عبادت؛ فراتر از مصرف‌کننده دانش

یکی از زیباترین پیوندهای این بیانیه، تبدیل جهاد علمی به یک وظیفه دینی است. حضرت علی علیه السلام در حکمت ۹۴ نهج البلاغه می‌فرماید: «لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ تَكْثَرَ مَالُكَ وَ لَكَدَكَ وَ لَكِنْ الْخَيْرُ أَنْ تَكْثَرَ عِلْمُكَ وَ أَنْ يُعْظَمَ حِلْمُكَ». خیر این نیست که ثروت و فرزندت را زیاد کنی، بلکه خیر این است که بر علمت بیافزایی و حلمت را زیاد کنی.

اگر خداوند خالق قوانین هستی است، پس کاوش در این قوانین نه تنها مجاز، بلکه عبادتی است که به شناخت مبدأ می‌انجامد. اما این شناخت نباید ما را به غرب وابسته کند. فلسفه توحیدی حکم می‌کند که دانش ما ملی و بومی باشد؛ دانشی که ریشه در حقیقت دارد و نه صرفاً چارچوب‌های فکری سودمحور و مادی. این امر زیربنای تبدیل شدن به یک قدرت فناورانه خودکفا است؛ زیرا کشوری که توان تولید علم حیاتی خود را نداشته باشد، هرگز در مسیر توحید عملی به استقلال کامل نخواهد رسید (سلیمانی، ۱۳۹۸).

۱- ۳. ساختار اجتماعی توحیدی: اقتصاد بر مدار کرامت

توحید در لایه اجتماع، شکل دهنده اقتصاد مقاومتی و عدالت اقتصادی است. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ

بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ». ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعتی برای مردم است. (حدید/۲۵). این نگرش، دارایی‌ها را امانت می‌بیند و سوداگری و احتکار را خروج از مدار توحیدی تلقی می‌کند. تأکید بر تولید داخلی و پرهیز از اسراف، صرفاً تدابیر اقتصادی نیستند، بلکه نمودهای عملی نظم الهی در حوزه مادی هستند. این اصول تضمین می‌کنند که مسیر حرکت به سمت تمدن، با زیر پا گذاشتن کرامت انسانی و انباشت ثروت‌های نامشروع، آلوده نشود (طباطبایی، ۱۳۹۶).

۲. عدالت؛ چاشنی پویایی و تضمین دوام نظام

اگر توحید بنیان اعتقادی است، عدالت قلب تپنده اجرایی و اجتماعی بیانیه گام دوم است. بیانیه تأکید می‌کند که بدون تلاش مستمر برای اجرای عدالت، تمام دستاوردهای دیگر به تدریج از درون می‌پوسند. عدالت در اینجا، صرفاً توزیع برابر ثروت نیست، بلکه حفظ کرامت و حقانیت هر فرد در ساحت اجتماعی و حکومتی است (عمید زنجانی، ۱۳۹۵).

۲ - ۱. فسادستیزی به مثابه وظیفه شرعی حاکم

نقطه کانونی عدالت در بیانیه، مبارزه بی‌امان با فساد است. این مبارزه ریشه در این اعتقاد دارد که فساد، انحراف از پیمان امانت‌داری با خداوند است. اشرافی‌گری و رانت، نه تنها تخلف اقتصادی، بلکه ظلم ساختاری محسوب می‌شوند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲).

امام اول مسلمین در خطبه ۳ نهج البلاغه دلیل پذیرش خلافت را اینگونه بیان می‌کند: «لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوَجْهِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارَوْا عَلَى كُظْمِهِ ظَالِمٌ وَلَا سَعْبٌ مَظْلُومٌ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلَهَا». اگر گروهی برای یاری من آماده نبودند و حجت خداوند با وجود یاوران بر من تمام نمی‌گشت و پیمان الهی با دانایان در باره عدم تحمل پرخوری ستمکاران و گرسنگی ستمدیدگان نبود، مهار این زمامداری را به دوش می‌انداختم و انجام آن را مانند آغازش با پیاله بی‌اعتنایی سیراب می‌کردم و در آن هنگام می‌فهمیدید که این دنیای شما در نزد من از اخلاط دماغ یک بز ناچیزتر است.

بنابراین عدالت ایجاب می‌کند که نگاه از بالا به پایین و متمرکز بر منابع، شکسته شود. وقتی بیانیه بر شایسته‌سالاری تأکید دارد، در واقع بر این ایده اصرار می‌ورزد که موقعیت‌های مدیریتی و اجتماعی

باید بر اساس ظرفیت‌های الهی نهفته در افراد (شایستگی) توزیع شود، نه بر اساس روابط یا تبار (قربانیا، ۱۴۰۱). این امر به معنای اعطای عادلانه فرصت به جوانان است تا بتوانند در ساختار قدرت سهمی فعال داشته باشند و از انحصار قدرت جلوگیری شود (گودرزی، ۱۴۰۲).

۲-۲. کرامت‌مداری و مشارکت اجتماعی

عدالت اجتماعی در این چارچوب، به معنای درگیر کردن عموم مردم در حکمرانی است. نهادهایی مانند بسیج و گروه‌های جهادی، وقتی به درستی هدایت شوند، تجلی این دیدگاه هستند که مدیریت امور عمومی فقط وظیفه دولت نیست، بلکه مسئولیت مشترک مؤمنان است (امر به معروف و نهی از منکر عملی) (میرزایی، ۱۳۹۹). این مشارکت، خود به عنوان یک مکانیسم نظارتی عمل می‌کند که مانع از تمرکز قدرت و بروز انحرافات در اجرای عدالت می‌شود (وثوقی، ۱۳۹۸).

معمار کبیر انقلاب هم حضور اجتماعی مردم و مشارکت فعال آنان در «زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۵۵) را هم یک حق (صحیفه امام، ج ۴: ۷۲) تلقی می‌کند و هم یک وظیفه اجتماعی و تکلیف شرعی (همان، ج ۱۵: ۲۵۰؛ ج ۱۷: ۴۳۵)؛ که بی‌توجهی به آن می‌تواند پیامدهای ناگوار اجتماعی در پی داشته باشد. (همان، ج ۲۱: ۴۲۲) به همین دلیل، امام خمینی همواره در انتخابات بر ضرورت مشارکت مردم و هوشیاری آنان تاکید می‌کرد، و آن دسته از جریان‌های سیاسی را که مانع حضور فعال مردم بود سرزنش می‌کرد (همان، ج ۱۸: ۳۸۱-۳۸۰). امام حتی فراتر از این مشارکت، از مردم می‌خواست تا بر عملکرد برگزیدگان خویش نظارت دائمی داشته باشند، و مانع لغزش آنها شوند (همان، ج ۸: ۵). بر این اساس، هیچ‌یک از جایگاه‌های حاکمیتی خارج از قلمرو نظارت مردم نخواهد بود و همگان حق ارزیابی رفتار و کارنامه مسئولان را دارند (همان، ج ۵: ۴۰۹). بدین ترتیب، حضور اجتماعی مردم از نگاه امام خمینی، مشارکتی همه‌جانبه است که از سوی همه مردم صورت می‌گیرد (همان، ج ۵: ۱۵۵) و اساسا پشتیبانی مردم و آگاهی و هوشیاری آنان (همان، ج ۱۳: ۲۳۲؛ ج ۱۴: ۳۷۳) از منابع قدرت در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

۳. امید و انتظار: نیروی پیشران تمدن‌ساز

راهبردهای عملی (توحید و عدالت) نیازمند یک موتور روانی قوی هستند تا در برابر سختی‌ها و موانع، از حرکت باز نایستند. این موتور، همان امید است که در مبنای الهیاتی خود، با مفهوم انتظار فرج پیوند می‌خورد (حجازی، ۱۳۹۹).

۳- ۱. امید به مثابه سپر در برابر یأس عمومی

یکی از اصولی که در دین مبین اسلام بسیار مورد تأکید واقع شده امید داشتن و پرهیز از ناامیدی است. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي وَكَوَلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا غَرْسٌ غَارِسٌ شَجَرًا». امید و آرزو رحمتی است برای امت من و اگر آرزو نبود مادری بچه‌اش را شیر نمی‌داد و باغبانی نهالی نمی‌کاشت. (أعلام الدین فی صفات المؤمنین: ۲۹۵).

بزرگترین سلاح دشمن، تزریق ناامیدی و القای حسّ بن‌بست است. بیانیه با یادآوری مستمر دستاوردهای انقلاب، در واقع در حال ترمیم سرمایه امید ملی است. این امید، صرفاً خوش‌بینی ساده‌لوحانه نیست، بلکه نتیجه یک تحلیل تاریخی است که ثابت می‌کند جامعه اسلامی توانسته است بر سخت‌ترین موانع فائق آید (راسک، ۱۴۰۰). این نگاه، جوانان را به عنوان حاملان اصلی این انرژی روانی، به مرکز توجه خود می‌آورد تا مسیر آینده را با شور و انگیزه طی کنند (شفیعی سروستانی، ۱۴۰۱).

۳- ۲. انتظار فرج؛ هدف‌گذاری نهایی تمدن نوین

مفهوم انتظار در فرهنگ شیعی، فعال است؛ یعنی تلاش برای مهیا ساختن زمینه‌ها برای تحقق آرمان‌های بزرگ. رسول مهربانیها (ص) می‌فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ». برترین اعمال امت من، انتظار فرج است. (کمال الدین: ۶۴۴).

تمدن نوین اسلامی که بیانیه هدف آن را ترسیم می‌کند، همان تجلی کامل این آرمان‌ها در عالم است. تمدن مورد نظر، صرفاً توسعه اقتصادی نیست؛ بلکه جامعه‌ای است که در آن حقوق الهی در بالاترین سطح محقق شده باشد. این دیدگاه متعالی باعث می‌شود که جامعه، سختی‌های دوران گذار را با صبر تحمل کند، زیرا می‌داند که هر گامی در جهت تقویت استقلال (توحید) و اجرای حقوق (عدالت) او را به مقصد نهایی نزدیک‌تر می‌کند (سبحانی، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که بیانیه گام دوم، قلب تپنده‌ای دارد که بر مبنای اصول اعتقادی شکل گرفته است. این بیانیه صرفاً یک لیست بلند بالا از وظایف نیست؛ بلکه نقشه‌ای است که از آسمان سرچشمه گرفته و در بطن تلاش‌های روزمره ما جاری می‌شود. و در آن عشق و تعهد به اصول موج می‌زند؛ از جمله:

۱. توحید: محور توحید، همانند یک قطب‌نمای همیشگی، ما را از گمراهی تقلید و وابستگی نجات می‌دهد. وقتی از نفی طاغوت سخن می‌گوییم، در واقع تجلی عملی همان «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ» را می‌بینیم. این، استقلال فکری و حکومتی ماست که هیچ معامله‌ای بر سر آن نیست.
 ۲. عدالت: عدالت‌خواهی، عطش فطری ماست که در مبارزه با فساد و تلاش برای عدالت نسلی نمود پیدا می‌کند. این یعنی ما نه تنها برای امروز، بلکه برای نسل‌هایی که خواهند آمد، مسئولیت‌پذیر هستیم؛ یک پیمان عمیق اخلاقی با آینده.
 ۳. امید: شاید بزرگترین دستاورد الهیات در این بیانیه، تأکید قاطع بر «نفی یأس» باشد. این امید، نه یک دلخوشی ساده، بلکه ایمانی است که ما را در برابر سختی‌ها مقاوم می‌کند و موتور محرک پروژه‌ای به نام «تمدن نوین اسلامی» می‌سازد.
- این پژوهش نشان داد که راهبردهای مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب، نه اموری صرفاً سیاسی یا اجتماعی، بلکه تجلی عملی مفاهیم عمیق کلامی شیعه هستند. توحید، که در نگاه اول یک اصل انتزاعی است، در عمل به مثابه قطب‌نمای ناگزیر ما در برابر چالش‌های جهانی عمل می‌کند؛ زیرا تنها با یقین به مبدء متعالی است که می‌توانیم در برابر ظلم سر خم نکنیم. عدالت، صرفاً آرمان‌گرایی نیست، بلکه تعهد اخلاقی و ریشه‌دار ما به ساختن جامعه‌ای است که در آن هر فردی بتواند به کمال برسد. و اما امید، نیرویی نیست که منفعلانه منتظر بماند، بلکه محرک فعال برای حرکت مستمر و غلبه بر یأس دشمن است. این پیوند نظام‌مند میان باورهای بنیادی و نقشه راه عملی، تضمین می‌کند که انقلاب اسلامی صرفاً یک رویداد تاریخی نیست، بلکه یک فرایند تمدن‌ساز مستمر است که نیازمند پابندی قلبی و اجرای دقیق توسط نسل جوان است.
- و اما سخن پایانی اینکه: بیانیه گام دوم، یک دعوت صادقانه برای عمل متعهدانه است. ما زمانی می‌توانیم این مسیر را با موفقیت طی کنیم که درک کنیم هر قدم در عرصه علم، فرهنگ یا اقتصاد، انعکاس یک حقیقت بزرگتر در مبانی اعتقادی ماست. این سند، پلی است میان «آنچه هستیم» و «آنچه باید باشیم». اگر این پیوند عمیق میان کلام و عمل حفظ شود، مسیر پیش رو، هرچند دشوار، اما قطعاً روشن و پر از وعده‌های محقق‌شده الهی خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم (۱۴۰۱). ترجمه حسین انصاریان. تهران: دارالعرفان.
- نهج البلاغه، به کوشش صبحی صالح (۱۳۷۴). قم: مرکز البحوث الاسلامی.
- أعلام الدین فی صفات المؤمنین (بی تا).
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.
- حجازی، احمد (۱۳۹۹). تحلیل جنگ نرم؛ اهمیت امید در پایداری ملی. تهران: انتشارات دفاع ملی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راسخ، بهزاد (۱۴۰۰). روان‌شناسی امید و نقش آن در مقاومت اجتماعی. تهران: نشر توسعه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۳). عقاید اسلامی: مبحث مهدویت و انتظار. قم: انتشارات توحید.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۸). مبانی هستی‌شناختی بیانیه گام دوم انقلاب. مطالعات بنیادین انقلاب اسلامی، (۷)۲، ۱۵-۳۵.
- شفیعی سروستانی، مهدی (۱۴۰۱). تمدن نوین اسلامی؛ افق آرمانی انقلاب. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۲). تفسیر المیزان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۶). اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: انتشارات صدرا.
- عمید زنجانی، عباس (۱۳۹۵). فقه سیاسی اسلام: مبانی حکومت اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
- فاضل لنگرانی، محمد (۱۳۹۲). آداب قضاوت و مسئولیت‌های حاکم در فقه شیعه. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- قربان‌نیا، ناهید (۱۴۰۱). عدالت ترمیمی در نظام حقوقی مبتنی بر فقه. پژوهش‌های فقهی، ۱۰ (۳).
- کمال‌الدین. (بی تا).
- گلستان قرآن (هفته‌نامه). ج ۴، ص ۶۱۰۹. تهران: مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی.
- گودرزی، کاظم (۱۴۰۲). مسئولیت‌شناسی نسلی در گفتمان انقلاب اسلامی. مطالعات جامعه‌شناسی تحول، ۵ (۱).
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

معین، محمد (۱۳۹۲). فرهنگ معین. تهران: زرین.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). کشف اسرار. تهران: نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۰). صحیفه نور (مجموعه کامل). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

میرزایی، حسین (۱۳۹۹). امر به معروف و نهی از منکر ساختاری در نظام جمهوری اسلامی. تهران:

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

وثوقی، سید (۱۳۹۸). شاخص‌های تحقق دولت اسلامی؛ از منظر نهج‌البلاغه. قم: انتشارات ادیان.